



مقالات و اعلامیه های برگزیده
 از کار ۲۲۲ - چهارشنبه ۱۷ آذر ۱۳۷۸

سرمقاله

در ((آرامش)) هم می توان باخت!

یادداشت

بازگشت، بدون قید و شرط!

عبدالله نوری از زندان اوین:

بر سر عقاید خویش با هیچ کس معامله
 نمی کنم و حسرت یک آخ را بر دلشان می گذارم

خامنه ای: دادگاه ویژه روحانیت

قانونی و تصمیماتش عادلانه است!

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران

به اتفاق آرا تصویب کرد:

آزادی، بی هیچ حصر و استثنا!

فدائیان اسلام ناب محمدی خطاب به خاتمی:

به زودی نمونه دیگری از اجرای

((حکم خدا)) را خواهید دید!

برای متلاشی کردن این شبکه

مافیایی اراده ملی لازم است

جمع آوری امضا در حمایت از دانشجویان دربند

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو به دانشجویان ایران

از استقلال جنبش خود و همه گرایش های سیاسی آن دفاع کنید!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مورد محکومیت عبدالله نوری و شمس الواعظین

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

در ((آرامش)) هم می‌توان باخت!

دو نوع واکنش از سوی رهبری جمهوری اسلامی در قبال محاکمه عبدالله نوری دیده شد: نوع اول، واکنش خامنه‌ای و ناطق نوری بود. خامنه‌ای در پاسخ به پرسش‌های دانشجویان، تاکید کرد بی‌عدالتی از دادگاه ویژه روحانیت ندیده است. رهبر جمهوری اسلامی که پس از اعلام مجرم بودن نوری از سوی هیات منصفه دادگاه ویژه روحانیت سخن می‌گفت، افزود این دادگاه کاملاً قانونی است. بدین ترتیب رهبر حکومت در بحبوحه به زندان رفتن نوری، مهر تایید بر عمل کسانی گذاشت که یکی از نزدیک‌ترین مشاوران رئیس‌جمهور را به اوین فرستاده‌اند.

واکنش نوع دوم، از خاتمی دیده شد. رئیس‌جمهور در دیدار با اعضای مجمع حزب‌الله مجلس، ضمن ابراز تاسف از حذف نوری از صحنه، خواهان ((رعایت آرامش)) و پرهیز از تشنج شد و ابراز امیدواری کرد وضع نوری در ((مراحل بعدی رسیدگی)) بهتر شود. آقای خاتمی نگفت در شرایطی که حکم نوری از سوی دادگاه غیرقابل تجدید نظر اعلام شده است، ((مراحل بعدی رسیدگی)) کدامند.

واکنش خاتمی، نارضایتی عمیقی را دست‌کم در میان طیفی از نیروهای مدافع دوم خرداد برانگیخته است، اما هرگاه توجه کنیم، این بار حتی بسیاری از اصلاح‌طلبان پیشرو در پرهیز از ((اقدامات تند)) و ((رعایت آرامش)) با آقای خاتمی همصدا شده‌اند، آنگاه درمی‌یابیم که نوع واکنش نسبت به اقدامات سرکوب‌گرانه جناح محافظه‌کار که دم به دم نیز هارتر و گستاخانه‌تر می‌شود، به یک بحث بسیار جدی برای همه کسانی که به سرنوشت اصلاحات و دموکراسی در ایران می‌اندیشند تبدیل شده است.

استدلال اصلاح‌طلبانی که ((دعوت به آرامش)) می‌کنند براین پایه استوار است که جناح محافظه‌کار عزم خود را بر سرکوب استوار کرده و از این رو نباید به آن امکان و فرصت داد مبارزه را به میدانی بکشاند که خود می‌خواهد و به تعبیر آنان قتلگاه جنبش اصلاحات در ایران می‌تواند باشد. از این روست که آنان حتی از ((تله نوری)) صحبت می‌کنند و می‌گویند حکم سنگین علیه عبدالله نوری برای آن صادر شده است که جنبش دوم خرداد را به مقابله بکشاند و آن را سرکوب کند.

در این سخن و تحلیل هسته‌هایی از واقعیت هست. تردیدی نباید کرد که دشمنان آزادی، عزم خود را جزم کرده‌اند تا پیش از انتخابات مجلس ششم، ضربه کاری و فلج‌کننده را بر جنبش اصلاح‌طلبی در ایران وارد آورند و به تعبیری کار را یکسره کنند. آنان دنبال فرصت و بهانه برای آن هستند که نیروهای نظامی و سرکوب‌گر را به خیابان‌ها بریزند و رقابتی را که در ((رای)) بازنده هستند، از طریق ((سلاح)) برنده شوند.

اما در استدلال اصلاح‌طلبان از لزوم پرهیز از اقدامات توده‌ای و بسیج‌گر، یک نکته ناگفته می‌ماند: همه هراس، از سرکوب جنبش به دست دشمنان آزادی نیست، بخشی از این هراس به نتایجی برمی‌گردد که هیجده تیر داشته است. اصلاح‌طلبان حکومتی دریافته‌اند جنبش‌های مردمی را نمی‌توانند کنترل کنند و هر حرکت اعتراضی می‌تواند به سرعت رادیکالیزه شود و خواسته‌هایی را به میان بکشد که فراتر از خواسته‌های اصلاح‌طلبان حکومتی است. این هراس نیز از هشدار مداوم آنان در خصوص پرهیز از اقدامات ((آشوب‌گرانه)) تأثیرات جدی دارد.

اما آیا به راستی اقدامات تعرضی می‌تواند زمینه‌ساز سرکوب گردد؟ پاسخ هم آری است و هم نه! اگر این اقدامات از سوی محافل قدرت‌مند اصلاح‌طلبان، و به ویژه آقای خاتمی، بدون پشتیبانی بماند، این خطر وجود دارد که دشمنان آزادی دانشجویان، روزنامه‌نگاران و سایر اقشار مردم را که به حمایت از عبدالله نوری، شمس‌الواعظین و دگراندیشان برمی‌خیزند، بی‌رحمانه سرکوب کنند و جنبش اصلاح‌طلبی در ایران را موقتا سرکوب کنند. اما اگر آقای خاتمی به پشتیبانی از اقدامات آزادی‌خواهانه برخیزد، بسیار دشوار است بتوان به راحتی جنبش را سرکوب کرد. از این جاست که نقش رئیس‌جمهور در شکل‌دادن به مسیر تحولات در ایران برجسته است. این حقیقت، شیرین نیست، اما به دلیل سرکوب احزاب سیاسی در ایران و عدم وجود تشکل‌های مردمی، هنوز سرنوشت جنبش تا حد بسیاری به اقدامات سران اصلاح‌طلب حکومت و به ویژه شخص آقای خاتمی گره خورده است. در جهت کاهش این نقش و از میان بردن آن باید تلاش کرد، اما سخن در مورد شرایط امروز و تاکتیک‌هایی است که امروز باید اتخاذ کرد. با توجه به همین نقش منحصر به فرد است که

اقدامات محافظه‌کارانه آقای خاتمی به کلی غیرقابل فهم می‌شود و مسئولیت او در تنگ‌تر شدن فضا برای ادامه اصلاحات در ایران برجسته می‌گردد. بسیاری از اصلاح‌طلبان در روزهای اخیر از آقای خاتمی خواستند در برابر اقدامات غیرقانونی دادگاه ویژه روحانیت واکنش مناسبی نشان دهد، بسیاری از آنان از او خواستند لااقل نسبت به نقض بی‌شرمانه و آشکار قانون اساسی به خاطیان ((اخطار قانون اساسی)) بدهد، برخی از نزدیکان او از او خواستند در برابر شلیک مستقیم دشمنان آزادی به جبهه اصلاح‌طلبان لااقل به شلیک ((تیر هوایی)) اقدام کند، اما رئیس‌جمهور به همه این درخواست‌ها بی‌اعتنا مانده است. این سکوت و محافظه‌کاری وقتی غیرقابل‌قبول‌تر می‌شود که توجه کنیم در جریان محکومیت عبدالله نوری، دشمنان آزادی ملاحظه هیچ چیز و هیچ کس را نکردند و بدون اعتنا به هر قانونی او را به زندان فرستادند و رئیس‌جمهور دلایل بسیاری برای یک اعتراض شجاعانه به این وضع داشته است.

پرسش این جاست که اگر جنبش اصلاح‌طلبی به سیاستی ادامه دهد که آقای خاتمی توصیه می‌کند و در برابر تعرضات محافظه‌کاران به تاکتیک انفعالی ادامه دهد، چه به دست می‌آورد؟ اکنون اصلاح‌طلبان حکومتی، همه امید خود را به پیروزی در انتخابات مجلس ششم بسته‌اند. اما این واقعیت را نباید ندیده گرفت که نه فقط در یک شرایط بحرانی، بلکه حتی در ((آرامش)) نیز می‌توان انتخابات را باخت! همان روزی که عبدالله نوری را به زندان بردند، اکبر هاشمی رفسنجانی سرانجام به سخن آمد و گفت: اگر احساس وظیفه کند در انتخابات مجلس شرکت خواهد کرد. اکنون دیگر باید با قوت بسیار بیشتری گفت در حذف عبدالله نوری رفسنجانی بی‌طرف نبوده است و با حذف عبدالله نوری میدان برای او خالی شده است و هاشمی رفسنجانی کاندید شماره یک ریاست مجلس آینده است. اصلاح‌طلبان و دموکرات‌های واقعی باید به این موضوع بیندیشند که ریاست رفسنجانی بر مجلس ششم، فراکسیونی نیرومند از هواداران او و روحانیون سنتی که آمادگی سازش با جناح راست را تاکنون بارها نشان داده‌اند، اصلاح‌طلبان واقعی را، در اقلیت قرار نخواهد داد و در آن صورت سرنوشت جنبش اصلاح‌طلبی در ایران به موانع بزرگتری برنخواهد خورد؟ ما بار دیگر تاکید می‌کنیم اتکا بر توده مردم و صدها هزار دانشجو، جوان، زن، روشنفکر، روزنامه‌نگار و دیگر اقشار مردم ایران که آماده دفاع از دستاوردهای جنبش دوم خرداد و پیش راندن آن تا استقرار دموکراسی در ایران هستند، یگانه راه مقابله با تعرضات هر دم گستاخانه‌تر دشمنان آزادی است. این اتکا همیشه به صورت حضور مردم در خیابان‌ها معنی نمی‌دهد، راه‌های بسیاری برای بسیج مردم، برای اعتراض فعالانه علیه اقدامات سرکوب‌گرانه وجود دارد. مهم این است که از نیروی مردم نهراسیم، مهم این است که به رعبی که دشمنان آزادی می‌کوشند در دل‌ها بیفکنند، تسلیم نشویم، مهم این است که بپذیریم باید به مردم حق و امکان داد از دستاوردهای جنبش خود دفاع کنند!

یادداشت

بازگشت، بدون قید و شرط!

هفته گذشته از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس طرحی با قید یک فوریت در اختیار هیات رئیسه مجلس قرار گرفت که عنوان آن ((عفو عمومی ایرانیان خارج از کشور)) است. در این طرح، اجازه بازگشت ایرانیان تبعیدی به کشور، به تقاضای بخشش و دریافت امان‌نامه مشروط شده است. این طرح، شامل تمام ایرانیانی می‌شود که بعد از انقلاب کشور را ترک کرده‌اند و در آن، اعضا و هواداران گروه‌های سیاسی اپوزیسیون که مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند، ((ضد انقلاب)) توصیف شده‌اند. در طرح ((عفو عمومی)) تاکید شده است، کسانی که در کارهای تروریستی دست داشته‌اند، بخشوده نخواهند شد. بالاخره در این طرح، یک آئین‌نامه اجرایی پیش‌بینی شده که باید با همکاری وزارت اطلاعات و دادستانی کل انقلاب تهیه شود.

متأسفانه مطبوعات ایران عموماً در باره این طرح سخن نگفته‌اند و آن را ((واقعه)) قابل درنگ ندانسته‌اند. حال آن‌که انتظار از روزنامه‌هایی که پیوسته از مشارکت مردم در سرنوشت کشور و گسترش فضای سیاسی سخن می‌گویند، آن است که چنین حادثه مربوط به سرنوشت میلیون‌ها ایرانی در تبعید را به نحو شایسته‌ای انعکاس می‌دادند و درباره آن اطلاعات پشت‌پرده را بر روی جام می‌ریختند. از همین رو هنوز نمی‌توان از انگیزه ارابه‌کنندگان این طرح و حتی نام امضاکنندگان آن، اطلاعات دقیقی داشت. با این همه یک مکث کوتاه،

می‌تواند دلیل ارائه چنین طرح‌هایی را روشن کند و در همان حال مضمون ضددموکراتیک آن‌ها را برملا سازد. این طرح تا به آن‌جا که به شکل حقوقی و کاراکتر پارلمانی آن برمی‌گردد، البته اقدام تازه‌ای است. اما از نظر مضمونی، هیچ تازگی ندارد. در اوایل دهه هفتاد، ((سردار سازندگی)) اعلام داشت که ایرانیان خارج از کشور به شرط کنار گذاشتن ((شیطنت)) می‌توانند به ایران برگردند. از آن پس بارها و بارها، عده‌ای از دولت‌مردان همین موضوع را دقیقاً با همین مضمون تکرار کردند. حتی آقای خاتمی چندی پیش اعلام داشت ایرانیان خارج از کشور به شرط التزام به ((نظام)) می‌توانند به وطن خود برگردند. بدون تردید انگیزه‌ها برای همه جناح‌های حکومتی در طرح این موضوع یکسان نیست. مثلاً اگر همه آن‌ها بر این نظر باشند که بازگشت مطیعانه ایرانیان تبعیدی به کشورشان می‌تواند به انتقال سرمایه‌های مادی، فکری، و نیز دانش و تخصص و فن‌آوری به کشور موجب شود، برگشت مطیعانه ایرانیان خارج از کشور، سیمای مطلوب‌تری از حکومت و دولت‌مردان در نزد دولت‌های غربی و افکار عمومی جهانی ایجاد خواهد کرد، و بالاخره چنین برگشتی می‌تواند آغازی شود برای تضعیف امکانات ایرانیان خارج از کشور در اعتراض به سیاست‌های حاکم بر ایران؛ ولی این نیز هست که در میان اصلاح‌طلبان حکومتی این اندیشه رو به رشد است که برخورداری از فضای سیاسی و اجتماعی درون کشور از صاحبان فکر و اندیشه بخشی از روشنفکران مقیم خارج، به روند توسعه سیاسی در ایران کمک خواهد کرد. این انگیزه اخیر البته مثبت است و باید با این نگرش کامل شود، که زندگی آزادانه در کشور، حق هر شهروند ایرانی صرفنظر از عقایدش و موافقت و یا مخالفتش با حکومت می‌باشد.

اما متأسفانه در طرحی که به مجلس ارائه شده است، از این روح دموکراتیک خبری نیست و سخن اصلی هم درست همینجاست. پرسیدنی است که تقاضای بخشش برای کدام ((جرم)) و باز پرسیدنی است که تقاضای بخشش از کدام صاحب ((حق))؟

خصلت ضددموکراتیک این طرح در آن است که ایرانیان تبعیدی را به پذیرش اندیشه و نظر و فرامین حکومت ملزم می‌سازد و از آن‌ها می‌خواهد به نفی موجودیت فکری و سیاسی خود اقدام کنند. از یک انسان استبدادستیز می‌خواهد در برابر مستبدان همچنان حاکم ابراز ندامت کند. چنین طرحی در بهترین حالت، تلاشی است برای تبدیل زورکی ((غیر خودی))ها به ((خودی))! چنین طرح‌هایی تا آن‌جا که به مهاجرین سیاسی و آزادی‌خواه مربوط می‌شود، از همان ابتدا محکوم به شکست است.

چرا ایرانیان خارج از کشور باید استغفار بکنند. ابراز ندامت برای چه؟ مگر آنان چه گناهی را مرتکب شده‌اند که باید برای بازگشت به زاد و بوم خویش و برخورداری از حقوق انسانی و طبیعی‌اشان تقاضای بخشش کنند و امان‌نامه بگیرند. از چه کسانی باید تقاضای بخشش کرد، از آنان که دستشان به خون هزاران ایرانی آزاده آلوده است؟ به نظر ما مساله بازگشت ایرانیان تبعیدی به کشور را نباید و نمی‌توان در چارچوب بخشش و طلب عفو حل کرد، اما اگر کسانی اصرار دارند که چنین باشد، آن‌گاه باید آن‌ها را به دفاعیات آقای عبدالله نوری مراجعه داد که تنها گوشه‌هایی از آن‌چه این حکومت با روشنفکران و آزادگان ایران کرده است را برملا ساخت و آنگاه پرسید: این روشنفکران و آزادگان ایرانند که باید از حکومت طلب بخشش کنند یا حکومتی که سعید امامی‌ها را سال‌ها بر جان آنان انداخت باید زانو به زمین زند؟

بازگشت به کشور حق همه ایرانیان است و آن‌ها برای برخورداری از این حق انسانی، طبیعی و اجتماعی خود به کسی بدهکار نیستند. هیچ ایرانی رنج دوری از وطن را به میل خود به جان نخریده است. حکومت در ایران چنان شرایطی را برپا کرد و چنان جهنمی را آفرید که برای بسیار کسانی که دگراندیش و دگرباش بودند، ادامه زندگی در میهن خود ناممکن شد. پس برای بازگشت ایرانیان باید این شرایط تغییر کند. از نظر ما برای حل این موضوع تنها می‌توان بر یک اصل اساسی و خدشه‌ناپذیر تاکید کرد: حکومت باید حق دگراندیش بودن و دگرباش بودن را بپذیرد و تضمین‌های لازم را برای منع تعقیب دگراندیشان و دگرباشان فراهم آورد.

عبدالله نوری از زندان اوین: بر سر عقاید خویش با هیچ کس معامله نمی‌کنم و حسرت یک آخ را بر دلشان می‌گذارم

دادگاه ویژه روحانیت عبدالله نوری را به زندان افکند و روزنامه خرداد را تعطیل کرد

دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه مطبوعات در روز ششم آذر ماه همزمان احکام خود علیه عبدالله نوری و ماشالله شمس‌الواعظین را اعلام کرده و آنان را به زندان محکوم کردند. در حالیکه حکم شمس‌الواعظین هنوز به اجرا گذاشته نشده و فرصت تجدیدنظر به او داده شده است، دادگاه ویژه روحانیت فرصت اعتراض و تجدیدنظر خواهی را نیز از عبدالله نوری سلب کرد و بلافاصله بعد از صدور حکم او را روانه زندان اوین کرد. عبدالله نوری در نخستین ملاقات با خانواده خود تاکید کرد که حکم ظالمانه دادگاه ویژه روحانیت او را از ادامه راه خویش منصرف نخواهد کرد. به گفته پدر عبدالله نوری، وی در این ملاقات گفته است: ((بر سر اصول و عقاید خویش با هیچ کس معامله نمی‌کنم و حسرت یک آخ را بر دلشان می‌گذارم. من سرباز و خادم مردم هستم و تا آخرین لحظه بر عهد خود با مردم پایدار خواهم ماند)).

دادگاه ویژه روحانیت عبدالله نوری، مدیر مسئول روزنامه خرداد را به پنج سال زندان، پنج سال ممنوعیت فعالیت روزنامه‌نگاری و ۱۵ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرده است. در حکم این دادگاه آمده است: ((رای دادگاه قطعی و غیرقابل تجدیدنظر خواهی است)).

براساس حکم دادگاه، روزنامه خرداد نیز تعطیل شده است و اجازه انتشار ندارد.

رسوایی بی‌سابقه!

زندانی کردن عبدالله نوری، موجب اعتراض نسبتاً بی‌سابقه در همه بخش‌های مردم شده است. دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، مطبوعات، تشکلهای سیاسی و بسیاری از روحانیون بلندپایه به حکم دادگاه روحانیت علیه عبدالله نوری و تعطیل روزنامه خرداد اعتراض کرده‌اند و دادگاه ویژه روحانیت در رسواترین موقعیت خود از زمان تشکیل تاکنون قرار گرفته است. در این اعتراضات سرعت عمل دادگاه ویژه روحانیت در زندانی کردن نوری با سیاست دفع‌الوقت قوه قضاییه در مورد قاتلان نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران و عاملان حمله به کوی دانشگاه مورد مقایسه قرار گرفته و سیستم قضایی جمهوری اسلامی بیش از پیش بی‌اعتبار شده است.

دو نوع اعتراض

با این حال دو نوع اعتراض در صف معترضین به حکم دادگاه ویژه روحانیت قابل تشخیص است. در حالی که از یک سو آزادی‌خواهان و بخش‌های پیشروتر جنبش اصلاح‌طلبی حکومتی، اساس دادگاه ویژه روحانیت را مورد اعتراض قرار داده و خواهان انحلال آن هستند، بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی اعتراض خود را متوجه رای صادره علیه نوری کرده و در عین حال می‌کوشند عدم موافقت خود را با دفاعیات نوری، که مورد تایید پرشور بخش‌های پیشرو اصلاح‌طلبان قرار دارد، اعلام دارند.

تشکلهای مختلف دانشجویی با صدور بیانیه‌های مختلفی دادگاه ویژه روحانیت را محکوم کرده و خواهان لغو حکم آن علیه عبدالله نوری شده‌اند. دفتر تحکیم وحدت در بیانیه خود، از ((سرکوب‌گری)) این دادگاه سخن گفته است و اعلام کرده مراسم روز دانشجو را به دفاع از عبدالله نوری اختصاص خواهد داد. مسئولان این دفتر در صدد جمع‌آوری امضا و تهیه طوماری به حمایت از عبدالله نوری و دفاعیات او در میان دانشجویان و دانشگاهیان هستند.

اما از سوی دیگر مجمع روحانیون مبارز در اطلاعیه‌ای، عدم موافقت خود با دفاعیات نوری را علنی کرد و نوشت: ((صدور کیفرخواست سیاسی دادستان دادگاه ویژه روحانیت که طبعا پاسخ‌های سیاسی می‌طلبد باعث آغاز تشنج و التهابات تازه خواهد شد... اگرچه این به معنای موافقت با همه مواضع و اظهارات آقای نوری در دادگاه نیست)).

هشدارهای مکرر و مخالفت مقامات دولت خاتمی و محافل بالای اصلاح طلب حکومتی، تاکنون مانع از آن شده است که

دانشجویان، جوانان و سایر مردم بتوانند اعتراضات وسیع تر و موثرتری را صورت دهند. این هشدارها حتی تا سطح روزنامه نگاران پیشرو اصلاح طلبی نیز گسترش یافته است و روزنامه ها نیز همراه با مقامات، به ویژه دانشجویان را از اقدامات اعتراضی پرهیز داده اند. نهضت آزادی ایران نیز ضمن اعتراض به حکم دادگاه روحانیت، خواستار ((حفظ آرامش)) در جامعه شد. نهضت آزادی به ویژه از دانشجویان خواست ((فرصت سواستفاده به آشوب طلبان ندهند)).

در میان روحانیون بلند پایه وابسته به جنبش دوم خرداد آیت الله منتظری، جلال الدین طاهری امام جمعه اصفهان، یوسف صانعی و موسوی اردبیلی، واکنش های تندتری نسبت به دادگاه ویژه روحانیت نشان دادند. آیت الله منتظری در یک گفتگوی تلفنی با خانواده عبدالله نوری، دادگاه ویژه روحانیت را غیرقانونی خواند و گفت: محکومیت ایشان توسط دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت نه تنها به زیان آقای نوری نشد، بلکه باعث اعتبار او و کسب آبرو و استقامت روزافزون وی و همچنین روحانیت آزاداندیش است.))

به نوری رای بدهید!

در حالی که حزب کارگزاران سازندگی ایران از پیش اعلام کرده بود در صورت محکوم شدن عبدالله نوری، نام او را از فهرست انتخاباتی خود حذف خواهد کرد و سایر احزابی که عبدالله نوری را در فهرست خود قرار داده بودند، هنوز در این مورد اظهار نظری نکرده اند، ((ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه نگاران)) اعلام کرد از مردم خواهد خواست در انتخابات مجلس ششم به عبدالله نوری رای دهند.

علی حکمت سردبیر روزنامه خرداد چند روز بعد از انتقال عبدالله نوری به زندان اوین، در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، پیرامون این موضوع اعلام کرد: ((چون دادگاه ویژه روحانیت فاقد وجاهت قانونی است هر حکمی که این دادگاه در مورد آقای نوری صادر کند بی اعتبار است)). علی حکمت افزود: ((ائتلاف روزنامه نگاران جبهه دوم خرداد با روشنفکران دینی)) از همه مردم می خواهد به کاندیداهایی که این ائتلاف معرفی کرده، اگر چه از طرف دادگاه ویژه روحانیت محکوم شده اند، رای دهند.

علی حکمت در عین حال در مورد انتشار روزنامه دیگری به جای روزنامه خرداد، گفت: نویسندگان روزنامه خرداد به طور دائم در دفتر روزنامه حاضر می شوند تا زمینه را برای انتشار روزنامه های دیگر آماده کنند.

خامنه ای: دادگاه ویژه روحانیت قانونی و تصمیماتش عادلانه است!

خاتمی: ما از وجود و توان و تجربه و قدرت آقای نوری محروم شدیم!

حکم ظالمانه دادگاه ویژه روحانیت علیه عبدالله نوری این انتظار را در جامعه تقویت کرد که آقای محمد خاتمی رئیس جمهور، با استفاده از حقوق خود و قول هایی که به مردم داده است، علیه سرکوب آزادی بیان و قلم و بسته شدن پی در پی روزنامه ها به طور موثری اعتراض کند و به دفاع از ((مرد شماره دو)) اصلاحات برخیزد. بسیاری از شخصیت های اصلاح طلب حکومت و روزنامه نگاران از رئیس جمهور خواستند، مطابق وظیفه خود، در برابر نقض گسترده حقوق شهروندان، ((اخطار قانون اساسی)) بدهد. از جمله این افراد علی حکمت سردبیر نشریه تعطیل شده خرداد بود که خواستار شد: ((رئیس جمهوری از حقوق قانونی خود برای رفع محکومیت نوری استفاده کند)).

اما آقای خاتمی به همه این تقاضاها بی اعتنا ماند و ترجیح داد که به روش همیشگی خود، یعنی چانه زنی در پشت پرده ادامه دهد. تنها سخن او در مورد محکومیت عبدالله نوری این بود که: ((اولین مشکل این است که ما در جامعه از وجود و توان و تجربه و قدرت آقای نوری به عنوان همکاری خوب و تلاشگر و به درد بخور محروم می شویم)).

خاتمی در سخنان خود در مورد اعتراض به سرکوب آزادی‌ها و تعطیل روزنامه خرداد و محکومیت شمس‌الواعظین هیچ اظهارنظری نکرد. سخنان خاتمی نه تنها به انتظارات پاسخ نداد، بلکه نارضایتی از عملکرد و رفتار رئیس‌جمهور را افزایش داد. در بین گروهی از اصلاح‌طلبان رفتار آقای خاتمی بیش از پیش با رفتار رفسنجانی مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

همزمان با این موضع محافظه‌کارانه، سیدعلی خامنه‌ای در یک سخنرانی در برابر دانشجویان بسیجی از ((قانونیت)) دادگاه ویژه روحانیت دفاع کرد و تصمیمات آن را ((عادلانه)) دانست و بطور کاملاً واضحی بر محکومیت عبدالله نوری از سوی این دادگاه صحه گذاشت. خامنه‌ای در پاسخ به سوالی پیرامون دادگاه روحانیت گفت: ((دادگاه ویژه روحانیت، دادگاهی است درست، بجا، قانونی و لازم. البته جنجال می‌کنند و اشکالاتی را وارد می‌کنند که اشکالاتی وارد و درست نیست. این دادگاه به جا و بموقع به وجود آمده و کارهای مهم و اساسی‌ای هم کرده است)). خامنه‌ای پیرامون عملکرد این دادگاه گفت: ((عملکردش قانونی است. من نمی‌توانم واقعا درباره هر دادگاهی قضاوت داشته باشم که این‌ها صد در صد دارند عادلانه عمل می‌کنند یا نه، ولی علی‌الظاهر ما چیز غیرعادلانه‌ای از این‌ها ندیده‌ایم. کارشان، کارکرد بدی نیست)).

این سخنان که دو روز بعد از اعلام حکم محکومیت عبدالله نوری در روزنامه‌ها چاپ شد، به معنای جانبداری آشکار رهبر حکومت اسلامی از حکم محکومیت عبدالله نوری ارزیابی شده است.

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران به اتفاق آرا تصویب کرد: آزادی، بی‌هیچ حصر و استثنا!

هوشنگ گلشیری، علی‌اشرف درویشیان، کاظم کردوانی، محمود دولت‌آبادی و سیمین بهبهانی به عنوان هیات دبیران کانون نویسندگان ایران انتخاب شدند

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران، در جلسه روز پنجشنبه ۴ آذر ماه خود، هیات دبیران دائم کانون را برگزید و تصویب کرد این کانون برای آزادی بدون قید و شرط مبارزه خواهد کرد. با این جلسه تلاش‌های بی‌وقفه و چند ساله نویسندگان آزاداندیش ایران و مجاهدت‌هایی که با خون محمد مختاری‌ها و محمدجعفر پوینده‌ها همراه شده بود، به ثمر نشست و نویسندگان ایران توانستند ابتدایی‌ترین خواسته خود، یعنی فعالیت‌های کانون نویسندگان ایران را که در جریان سرکوب‌های خونین دهه شصت، فعالیت آن متوقف شده بود، از نو آغاز کنند.

در جلسه مجمع عمومی کانون در پنجشنبه ۴ آذر ماه، ۱۱۲ نفر از نویسندگان کشور شرکت داشتند. این اجلاس با پیام احمد شاملو، شاعر نامدار معاصر آغاز شد.

احمد شاملو در بخشی از پیام خود به کانون نویسندگان ایران چنین نوشته است: اکنون از این‌که توانسته‌اید به رغم همه این دشواری‌های توانکاه به آرمان اهل قلم دیارمان، آزادی و ناوابستگی به قدرت وفادار بمانید، به خودم و شما تهنیت می‌گویم و به عنوان یکی از اعضای هیات دبیران پیشین کانون نویسندگان ایران امیدوارم گردهم آمدنتان به توفیق کامل انجامد و متن نهایی منشور و اساسنامه کانون نویسندگان ایران به تصویب رسد. و هیات دبیران جدید برگزیده شود. سلام‌های گرم قلبی مرا بپذیرید.

سیمین دانشور نیز پیامی به این اجلاس فرستاد که در بعد از پیام احمد شاملو خوانده شد.

مجمع عمومی منشور کانون را که توسط هیات دبیران موقت کانون به نظرخواهی گذاشته بود، تصویب کرد. بیشترین بحث‌ها پیرامون بند اول این منشور صورت گرفت و سرانجام این بند بدون هیچ‌گونه تغییری به اتفاق آرا به تصویب رسید. مطابق این بند از منشور، کانون نویسندگان ایران آزادی بدون قید و شرط و فارغ از هر حصر و استثنایی را هدف خود قرار می‌دهد.

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران همچنین به اتفاق آرا کلیات اساسنامه کانون را تصویب کرد. در این جلسه همچنین هیات دبیران کانون با رای مخفی برگزیده شد. بنا به گزارش‌ها بیست و دو نفر کاندید

عضویت در هیات دبیران کانون نویسندگان ایران بودند که از میان آنان هوشنگ گلشیری، علی‌اشرف درویشیان، کاظم کردوانی، محمود دولت‌آبادی و سیمین بهبهانی به عنوان اعضای اصلی هیات دبیران انتخاب شدند و فریبرز رییس‌دانا، محمدعلی سپانلو، معصوم‌بیگی، ناصر زرافشان و ایرج کابلی به عنوان اعضای علی‌البدل برگزیده شدند. کاوه گوهرین و رضا چایچی به‌عنوان بازرسان کانون، جمشید برزگر به عنوان منشی و حافظ موسوی به عنوان صندوق‌دار در رای‌گیری انتخاب شدند.

بیانیه هیات دبیران کانون

هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، در نخستین بیانیه خود، نسبت به جریان سرکوب مطبوعات در جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد. در این بیانیه آمده است: ((کانون نویسندگان ایران که شان وجودی و تاریخی خود را دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم اعلام کرده و بیش از سه دهه در این راه مجاهدت ورزیده است، وظیفه خود می‌داند نخست نسبت به تعطیل مجله آدینه که بیش از ۱۵ سال یکی از پایگاه‌های نشر فرهنگ نو بوده، اظهار تاسف کند)). در این بیانیه ((از لغو امتیاز روزنامه خرداد و نیز محکومیت ماشاالله شمس‌الواعظین روزنامه‌نگار و سردبیر روزنامه تعطیل شده نشاط - که دفاع از حقوق مدنی و قانونی شهروندان ایرانی را شعار خویش قرار داده بودند)) ابراز نگرانی شده و آمده است: ((صرفنظر از تفاوت عقاید و افق‌های فکری خاص هر نویسنده یا هر مطبوعه‌ای، این بیم هست که به تعطیل کشاندن مطبوعات و سلب آزادی اهل قلم، جزو اتفاقات عادی شود)).

فدائیان اسلام ناب محمدی خطاب به خاتمی:

به زودی نمونه دیگری از اجرای ((حکم خدا)) را خواهید دید!

چند روز بعد از اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مبنی بر کشف و دستگیری اعضای گروه نواب صفوی، این گروه در نامه‌ای خطاب به آقای خاتمی، وی را تهدید کرد که به زودی نمونه‌های تازه‌ای از ((حکم خدا)) را به اجرا خواهد گذاشت.

سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۲۶ آبان ماه گذشته منتشر کرد ((فدائیان اسلام ناب محمدی (ص) - مصطفی نواب را عنوان جعلی و گمراه‌کننده پس‌مانده‌های باند فتنه‌گر و مفسد سعید امامی و مصطفی کاظمی)) نامید که در جریان انفجار بمب در فلکه آب مشهد توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شده و اکنون در بازداشت به‌سر می‌برند. اما یک ناشناس با تسلیم نامه‌ای در سالروز ترور فروهرها، به دفتر روزنامه خرداد، مدعی شد این گروه متلاشی نشده است و به قتل‌ها ادامه خواهد داد. در بخشی از این نامه که امضای ((روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان فدائیان اسلام ناب محمدی)) را دارد خطاب به رئیس‌جمهور آمده است: ((جناب‌عالی را به روح بزرگمرد تاریخ معاصر، حضرت امام (ره) قسم می‌دهیم که به خاطر قداست لباس روحانیت که ملبس به آن هستید، برای یکبار هم که شده دست از سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری بردارید و در پیشگاه ملت شریف ایران که همواره در سخنان‌تان بر محرم بودن آنان تاکید دارید عطف به نامه شماره... (شماره این نامه ظاهراً از طرف روزنامه خرداد سانسور شده است) حوزه بازداشتگاه وزارت اطلاعات به وزیر محترم اعلام کنید که بر روی قسمت‌هایی از جسد مرحوم حاج سعید اسلامی، آثار شکنجه بوده است)) در ادامه این نامه آمده است: ((در غیر این صورت ما با منافق‌صفتان طبق نص صریح قرآن کریم رفتار خواهیم کرد و حکم خداوند را برای نوکران سرسپرده آمریکا (مفسدین فی‌الارض) اجرا نموده و اسناد و مدارک موجود مربوط به شکنجه مرحوم حاج سعید اسلامی و اعدام... را بر روی شبکه جهانی اینترنت به جهت تنویر افکار عمومی پخش خواهیم نمود و متضرر اصلی شخص جناب‌عالی، به دلیل سو مدیریت‌تان بر حوزه‌های تحت نظارت آنان (خواهید بود)). فدائیان اسلام محمدی در پایان نامه خود نوشته‌اند ((به دلیل کوتاهی مسئولان امر، به زودی نمونه دیگری از اجرای حکم خداوند به دست فرزندان اسلام ناب را خواهید دید)).

برای متلاشی کردن این شبکه مافیایی اراده ملی لازم است

اطلاعیه وزارت اطلاعات پیرامون گروه مهدویت، نه تنها پرسشی از هزاران پرسش پیرامون شبکه پیچیده و تو در تو باندهای سیاه مافیایی و رابطه آن‌ها با نهادهای رسمی قدرت را پاسخ نگفته است، بلکه بر ابهامات بیشتر افزوده است. ارتباط این گروه با ((باند سعید امامی))، رابطه‌اش با گروه فدائیان اسلام و سرخ‌های واقعی آن همه ناگفته گذاشته است. بیانیه وزارت اطلاعات به ویژه در مورد ترور رفسنجانی، خاتمی و یزدی از سوی این گروه، به گونه‌ای تنظیم شده است که شایعه وابستگی این گونه گروه‌های مافیایی به یک جناح قدرت را خنثی کند. وزارت اطلاعات با معرفی سه تن از سرکردگان جناح‌های حکومت، خواسته است به مردم القا کند این گروه‌ها که اکنون هراز چندی خبر انهدام یکی از آنها داده می‌شود، ربطی به هیچ جناحی در حکومت ندارند و با همه ((نظام)) و همه جناح‌های آن مخالفند. اما نیک پیداست این گروه‌های تروریست و جنایتکار با حمایت باندها و محافلی در وزارت اطلاعات و رده‌های تعیین‌کننده نیروهای مسلح و لایه‌های بالایی قدرت تشکیل شده‌اند و بدون آن، دست‌کم امکان دوام و بقای آن‌ها وجود نداشته است. اکنون پرسش هراس‌انگیز این است که کسی مانند سعید امامی در مقام معاونت امنیتی وزارت اطلاعات و کسان دیگری مانند او که هنوز نام و نشان آن‌ها معلوم نشده است چند تا از این گروه‌ها را به مانند مارهایی سمی پرورش داده و در گوشه و کنار جامعه رها کرده‌اند؟

هر چه زمان بیشتر می‌گذرد و هر اطلاعی که پیرامون این فعالیت‌های مافیایی بیرون داده می‌شود، بیشتر معلوم می‌شود سر همه این باندهای سیاه به هزار توی وزارت اطلاعات و سایر نهادهای قدرت وصل است و آنان در طول سال‌ها چنان شبکه وسیع و متنوعی را تدارک دیده‌اند که تنها یک اراده قاطعانه برای افشا و مجازات آن‌ها می‌تواند ریشه‌های این سیستم پیچیده جنایت و ترور را خشکاند.

چگونگی برخورد وزارت اطلاعات با همین گروه مهدویت خود نمونه روشنی از این ادعاست. در حالی که حتی هواداران گروه‌های مخالف رژیم سالیان سال تحت شدیدترین شکنجه‌ها و بازداشت‌ها قرار گرفته‌اند، هیچ معلوم نیست به چه دلیل ۲۰ نفر از اعضای یک شبکه تروریستی از سوی مقامات امنیتی کشور آزاد شده‌اند. در حالی که روزنامه‌نگاران را به ((جرم)) تهدید علیه امنیت ملی به زندان می‌افکنند، چرا اعضای گروه تروریستی را بدون محاکمه آزاد می‌کنند؟

به اعتقاد ما عملکرد قوه قضاییه، وزارت اطلاعات و سایر نهادهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی به هیچ روی در جهت خشکاندن ریشه‌های شبکه پیچیده ترور و جنایتی که از سوی خود این نهادها پرورانده شده است، نیست. مقابله با این پدیده مخوف باید به یک کمیته تحقیق بی‌طرف زیر نظارت مستقیم نهادهای دموکراتیک نظیر مطبوعات، تشکل‌های دانشجویی و روشنفکران سپرده شود.

جمع‌آوری امضا در حمایت از دانشجویان دربند

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن، اعلام کرد همزمان با سالروز روز جهانی دفاع از حقوق بشر، به جمع‌آوری امضا در حمایت از دانشجویان دربند ایرانی اقدام کرده است. جمع‌آوری امضا به مدت یک هفته تا روز ده دسامبر ادامه خواهد داشت. به گزارش این جمعیت، در نخستین روز جمع‌آوری امضا، فعالین این ت در حالی که پلاکاردهایی بر روی سینه‌های خود نصب کرده بودند که بر روی آن‌ها نوشته شده بود: ((به جمعیت

یاری دانشجویان آزادی‌خواه دربند در ایران بشتابید!)) در دانشگاه کلن حضور یافتند و به جمع‌آوری امضا پرداختند. این اقدام قرار است در سایر شهرهای آلمان نیز صورت گیرد. امضاها جمع‌آوری شده، برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو به دانشجویان ایران از استقلال جنبش خود و همه گرایش‌های سیاسی آن دفاع کنید!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرارسیدن شانزده آذر، روز دانشجو در ایران را به همه دانشجویان کشور تبریک می‌گوید و خاطره همه کوشندگان و مبارزین جنبش دانشجویی در راه آزادی و سربلندی ایران را گرامی می‌دارد. ما فرا رسیدن شانزده آذر را فرصتی می‌دانیم که حمایت بی‌دریغ خود را از خواست‌های دانشجویان کشور اعلام داریم و از جمله بر شناسایی، محاکمه و مجازات عاملین و آمرین حمله وحشیانه به کوی دانشگاه تهران و سرکوب دانشجویان در جریان حوادث تیر ماه در تهران و تیریز تاکید کنیم. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مصرانه خواهان آن است که همه دانشجویانی که به حکم ظالمانه محاکم قضایی جمهوری اسلامی به زندان محکوم شده‌اند، فوراً و بدون قید و شرط همه آزاد شوند و به سرکوب و پیگرد دانشجویان پایان داده شود!

دانشجویان عزیز!

جنبش دانشجویی کشور و تشکلهای موجود دانشجویی از رویداد ۱۸ تیر ماه به این سو در شرایط دشواری قرار گرفته‌اند. از یک سو سرکوبگرانی که خوابگاه دانشجویان را به خون کشیدند، بی‌واهمه از پیگرد و مجازات، هم‌چنان به سرکوب دانشجویان ادامه می‌دهند، آنان را دستگیر می‌کنند و در بیدادگاه‌های قوه قضائیه محاکمه و روانه زندان می‌کنند و از سوی دیگر، بخشی از نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی دانشجویان را تحت فشار قرار داده‌اند که مبادا به اعتراض جمعی برخیزند، به اعتصاب دست بزنند و یا تظاهرات برپا کنند. آن‌ها دانشجویان را از عکس‌العمل تند سرکوبگران می‌ترسانند و به اشکال گوناگون از آنان می‌خواهند حرکات خود را با مصالح جناح اصلاح‌طلب حکومت تنظیم کنند. آن‌ها در عین پرهیز دادن دانشجویان از اقدامات اعتراضی وسیع، راه روشن و مشخصی نیز در مقابل جنبش دانشجویی قرار نمی‌دهند.

این برخورد و توقع، ریشه در مناسبات بین دانشجویان و حکومت در دو دهه گذشته دارد. با وجود تحولات سه سال اخیر، هنوز حکومت اسلامی و از جمله بخشی از اصلاح‌طلبان، استقلال جنبش دانشجویی را نمی‌پذیرند و خود را محق می‌دانند به انحاء مختلف در این جنبش دخالت کنند و آن را ضمیمه خود سازند. تاریخ جنبش دانشجویی، امروز بسیار تحریف شده و وارونه نشان داده می‌شود. اما واقعیت این است که جنبش دانشجویی در قبل از انقلاب، جنبش مستقل و پویایی بود. این جنبش اگر به درجاتی از سازمان‌هایی سیاسی موجود (سازمان ما و مجاهدین خلق) تاثیر می‌پذیرفت، ولی نه تنها تابع این سازمان‌ها نبود، بلکه خود بدرجاتی زاینده آنان بود. اما متأسفانه پس از انقلاب و به نام ((انقلاب فرهنگی)) جریان‌های سیاسی غیروابسته از حکومت به نحو بسیار خشنی حذف شدند و دانشگاه‌های کشور عملاً به صحنه یکه‌تازی انجمن‌های اسلامی تبدیل شده، ضمیمه قدرت حاکم شد و راه سراشیبی و انحطاط را در پیش گرفت. هر گونه تمایزی بین انجمن‌های اسلامی با حکومت از بین رفت و این انجمن‌ها از حالت تشکلهای دانشجویی خارج شده و به نمایندگان حکومت در دانشگاه‌ها و شعبات ارگان‌های سرکوب تبدیل شدند.

این سال‌ها، سال‌های سیاه و تاریک دانشگاه‌های ایران است که لازمست نسل جدید دانشجویان بر آن آگاهی یابند و آن را مورد بازبینی و نقد قرار دهند و نسبت به پیامدهای ناگوار آن آگاهی‌ها و آموزش‌های لازم را به دست آورند. به نظر ما مهمترین آموزشی که از این دوران می‌توان گرفت این است که وابستگی به قدرت - صرفنظر از ماهیت آن - سم مهلك جنبش دانشجویی و هر جنبش دموکراتیکی است. خوشبختانه در دهه هفتاد، در تشکلهای دانشجویی مجاز و رسمی نیز این تمایل به وجود آمده است که خود را تابع و مطیع قدرت نکنند. اما این تمایل هنوز در سطح ضعیفی است.

دانشجویان آزادی‌خواه!

استقلال جنبش دانشجویی و تشکلهای وابسته به آن از قدرت سیاسی مساله حیاتی جنبش شماست. ما نیک آگاهییم که شما دانشجویان از برخورد حکومت با جنبش خود و دخالت‌های آنان رنج می‌برید و به اشکال

گوناگون نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهید. شما دانشجویان گام نخست را برداشته‌اید و کوشیده‌اید بر نیروی خود متکی باشید و از خواست‌های دموکراتیک خود و توده مردم دفاع کنید. اکنون لازم است گام‌های بعدی برداشته شود و جنبش دانشجویی استقلال کامل خود را از قدرت سیاسی اعلام و اثبات کند. این امر در عین ایستادگی و مبارزه هوشمندانه با استبداد و محافظه‌کاران، نباید به معنای روبرویی و ستیز با اصلاح‌طلبان حکومتی تلقی شود، بلکه باید به معنای فراتر رفتن از مصلحت‌ها و سیاست‌های این جناح و تسلیم نشدن به فشارهایی باشد که می‌کوشند نقش مستقل دانشجویان را سلب و یا کم کنند. جنبش دانشجویی در مواردی با اصلاح‌طلبان حکومت همسو و هم‌صدا هست و خواهد بود. اما این همسویی و هم‌صدایی را نباید تسلیم شدن به خواست‌ها و مصالح آنان دانست. در این جهت تلاش کنید که همه دانشجویان، صرف‌نظر از گرایش‌های خود، حق تشکل و بیان آزادانه مطالبات و خواسته‌های خود را داشته باشند.

سخنی با اصلاح‌طلبان!

منافع جنبش اصلاح‌طلبانه و دموکراتیک و الزامات جامعه مدنی، ایجاد و تقویت نهادهای صنفی و دموکراتیک مستقل از قدرت است. جنبش دانشجویی ایران به عنوان پیشروترین بخش مدافع اصلاحات باید بر پای خویش بایستد و نهادهای دموکراتیک و صنفی واقعی خود را برپا کند، از مبارزاتش تجربه بیاندوزد و به مدافع قدرتمند اصلاحات و دموکراسی در کشور تبدیل شود. این جنبش باید حق نقد قدرت را داشته باشد. تلاش در جهت وابسته کردن این جنبش به حکومت و تحمیل سیاست‌ها و مصالح حکومت به آن، با خواست‌های دموکراتیک دانشجویان و مردم ایران و الزامات جامعه مدنی در تضاد است. مسلم بدانید جنبش دانشجویی در وابستگی به حکومت، حیات پویانده خود را از دست خواهد داد. منافع جنبش اصلاح‌طلبی در ایران در تقویت استقلال جنبش دانشجویی و همه جنبش‌های مردمی در ایران است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شانزدهم آذر ماه ۱۳۷۸

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مورد محکومیت عبداللهنوری و شمس‌الواعظین

عبدالله نوری به پنج سال و شمس‌الواعظین به سه سال زندان محکوم شدند. آن دو نه بخاطر جرمی که مرتکب شده‌اند، بلکه بجهت دفاعشان از آزادی‌های سیاسی و حقوق مردم در بیدادگاه‌های قوه قضائیه محکوم گشتند. عبدالله نوری به خواست محاکمه کنندگان تن در نداد و از عقاید و افکارش در دادگاه دفاع نمود و عملکرد بیست ساله جمهوری اسلامی را به نقد کشید. خواست برپاکنندگان دادگاه این بود که وی لب از لب نگشاید و ناگفتنی‌ها را بر زبان جاری نسازد. و یا اینکه تنها به دفاع حقوقی بسنده کند، تا آنان رای بر برائت وی دهند. اما نوری دادگاه را به محاکمه برگزارکنندگان تبدیل کرد. به همین خاطر آنها نوری را محکوم کردند و روانه زندان ساختند. آنها برای شمس‌الواعظین نیز جرم تراشیدند و بخاطر جرم مرتکب نشده به سه سال زندان محکوم کردند. او که سردبیر سه روزنامه توقیف شده جامعه، توس و نشاط و سردبیر روزنامه عصرآزادگان بود، بجهت دفاعش از آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی محکوم گشت.

نیروهای آزادی‌خواه!

دادگاه عبدالله نوری و شمس‌الواعظین دادگاه تفتیش عقاید بود و آن دو بخاطر عقایدشان که با عقاید جناح حاکم تفاوت دارد، محاکمه و محکوم شدند. ما محکومیت آن دو را مغایر با حقوق بشر می‌دانیم و نیروهای آزادی‌خواه را فرا می‌خوانیم که به دفاع از آنها برخیزند و از مجامع بین‌المللی بخواهند که این اقدامات ضدانسانی دادگاه‌های قوه قضائیه را محکوم کنند.

ما خواستار آزادی عبدالله نوری و شمس‌الواعظین هستیم و به نظر ما باید هرچه سریع‌تر دادگاه‌های ویژه روحانیت برچیده شود و محکومین این دادگاه‌ها آزاد گردند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۷ آذر ۱۳۷۸



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany